

درباره عمل خرافی شب اول ربیع



بنابر مستندات تاریخی و روایی معتبر شیعه و سنی، شب اول ماه ربیع الاول به واسطه واقعه مهم خوابیدن حضرت علی(علیه السلام) در بستر پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در سال سیزدهم بعثت - در همان شبی که کفار مکه تصمیم به قتل دسته جمعی حضرت رسول(ص) در بستر خواب گرفته بودند و در همان شب ایشان به مدینه هجرت فرمودند - به «لیلة المبیّت» مشهور است.

درباره عمل خرافی شب اول ربیع / رفتن به در مساجد و در زدن و شمع روشن کردن
ویژه آغاز ماه شادی اهل بیت، اول ربیع الاول

بنابر مستندات تاریخی و روایی معتبر شیعه و سنی، شب اول ماه ربیع الاول به واسطه واقعه مهم خوابیدن حضرت علی(علیه السلام) در بستر پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در سال سیزدهم بعثت - در همان شبی که کفار مکه تصمیم به قتل دسته جمعی حضرت رسول(ص) در بستر خواب گرفته بودند و در همان شب ایشان به مدینه هجرت فرمودند - به «لیلة المبیّت» مشهور است.

بنابر نظر فقها و بر اساس آنچه در روایات مستند و معتبر آمده است، مستحب است که مومنین در این شب - به یاد آن مجاهدت امیرالمومنین(ع) - در مساجد حضور یافته و تا سحر به راز و نیاز و مناجات با خداوند متعال بپردازند و لذا آن چیزی که از رسانه ملی با عنوان باز بودن در مساجد تا صبح عنوان شده به این دلیل بوده است، نه تاکید و یا احیاناً ترویج آن مسئله خرافی - رفتن به در مساجد و در زدن و شمع روشن کردن برای رفع حاجت -

به هر حال به نظر می رسد که اطلاع رسانی و آگاه ساختن صحیح، دقیق و به موقع مردم در مورد مسائل دینی - و کلا هر مسئله ای - از ضروریات و اصول کاری دستگاه های مربوطه و از جمله رسانه است که می تواند جلوی ترویج و گسترش خرافات - که همچون موربانه ریشه اعتقادات جامعه را می خورد - را گرفته و به تعالی جامعه یاری رساند.

خلاصه ای از واقعه مهم و تاریخی لیلة المبیّت

اما خلاصه ای از واقعه مهم و تاریخی لیلة المبیّت به نقل از پایگاه اطلاع رسانی مذهب: خلاصه آن واقعه از این قرار است که در سال سیزدهم بعثت سران قریش در یک شورای عمومی تصمیم گرفتند که ندای توحید را با زندانی کردن پیامبر یا کشتن و یا تبعید او خاموش سازند، چنان که قرآن کریم می فرماید: **وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يُمَكِّرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ**; [1]

به خاطر بیاور هنگامی را که کافران نقشه می کشیدند که تو را به زندان بيفکنند یا به قتل برسانند و یا از مکه خارج سازند. آنها چاره می اندیشیدند و نقشه می کشیدند، و خداوند هم تدبیر می کرد؛ و خدا بهترین چاره جویان و تدبیرکنندگان است. سرانجام سران قریش تصمیم گرفتند که از هر قبیله، فردی انتخاب شود تا افراد منتخب در نیمه شب یک باره بر خانه حضرت هجوم برده، او را قطعه قطعه کنند.

بدین طریق هم از تبلیغات او آسوده شوند و هم خون او در میان قبایل عرب پخش شود تا خاندان هاشم نتوانند با آنها به مبارزه برخیزند. فرشته وحی، پیامبر را از نقشه شوم مشرکان آگاه ساخت و به آن حضرت دستور داد تا از مکه به عزم مدینه خارج شود. پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) حضرت علی(علیه السلام) را از این نقشه آگاه کرد و به او فرمود: **171#&171؛امشب در خوابگاه من بخواب و روانداز سبز مرا به خود ببیچ تا آنان تصور کنند که من هنوز در خانه و در بستر آرمیده ام و مرا تعقیب نکند**. آن گاه پیامبر مخفیانه به سمت غار ثور حرکت کرد و از خداوند درخواست نمود تا دشمن را از دست یابی به او گمراه کند و آنان نتوانند او را پیدا کنند ... [2]

در روایات شیعه و اهل سنت آمده است که علی(علیه السلام) این کار را انجام داد و خداوند به خاطر این کار به فرشتگان مباحثات نمود و موقعی که پیامبر به سوی مدینه در حرکت بود، این آیه را در شأن حضرت علی (علیه السلام) نازل فرمود: **(وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَكُوفٌ بِالْعِبَادِ)**; [3]

بعضی از مردم - با ایمان همچون علی(علیه السلام) به هنگام خفتن در جایگاه پیامبر - جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. از این رخداد بی نظیر می توان به نتایج ذیل پی برد: درجه ایثار فوق العاده امام علی(علیه السلام); تبعیت محض ایشان نسبت به فرمان الهی و نبوی (صلی الله علیه وآله); عشق و علاقه غیر قابل توصیف آن بزرگوار نسبت به رهبر و مقتدای خود; و این نکته که در مواقعی که اصل و اساس اسلام در خطر قرار می گیرد می باید بهترین شخصیت ها، حتی وجود مقدس علی بن ابی طالب(علیه السلام) فدا گردد. نظیر آن را در ماجرای شهادت امام حسین (علیه السلام) برای حفظ

پاورقی: [1] سوره انفال، آیه 30، ر.ک: تفسیر قرطبی، ج 7، ص 397، (داراحیاء التراث العربی، بیروت). [2] فروغ ولایت، استاد جعفر سبحانی، ص 45-57، بخش دوم از فصل سوم، مؤسسه امام صادق، 1374 ش. [3] احیاء العلوم، الغزالی، ج 3، ص 378، (دارالهادی بیروت); تذکرة الخواص، ابن الجوزی، ص 35، (مکتبة النینوی الحدیثه، تهران); شواهد التنزیل، الحاکم الحسکانی، ج 1، ص 123، ش 4، (مجمع احیاء الثقافة اسلامیة); الغدیر، علامه امینی، ج 2، ص 49 - 47، (دارالکتاب العربی، بیروت، 1398 هـ.ق).